

طارق رمضان؛ اسلامگرا یا اسلام شناس؟

نگاهی به کتاب آلمانی "طارق رمضان و اسلامی شدن اروپا" تألیف رالف قدبان

ژاکفرد کهل هامر - ترجمه برنسا رضایی



سردرگم نشود (نظر رمضان درباره روسری چیست؟ درباره مبلغان مسلمان؟ درباره جدایی پسران و دختران در استخرها؟)، بلکه بتواند ناهمخوانی بنیادی اندیشه او با تجدد غربی را به اثبات برساند. از نظر قدبان، امیدهای رمضان به انطباق مسلمانان در جوامع غربی و آشتی جویی ره به ناکجا آباد برده و بر توهمی مبتنی است که البته رمضان آن را در زمینه اصطلاح شناسی آگاهانه باب ساخته است.

کاستی این شیوه برخورد، برای خواننده غیراسلام شناس - که به نظر می رسد کتاب در درجه اول برای همین نوع اشخاص هم نوشته شده است - در این است که او بدون شک گاه به فغان خواهد آمد که آیا اصلاً باید همه این موارد را به این دقت بدانند. در اصل پاسخ مثبت است؛ نکته مثبت این کتاب این است که رمضان مؤکداً نشان می دهد که ما به ویژه از این رو نمی توانیم به ساده لوحی و بلاهت در زمینه اسلام تن دهیم که اگر چنین کنیم، درباره بخش هایی مهم از واقعیت های خود به راه خطا کشیده خواهیم شد، همان گونه که به تازگی در واکنش ساده لوحانه و خشمگینانه نسبت به صدور حکم اعدام یک افغانی مسلمان به مسیحیت گرویده نشان داده شد.

طارق رمضان به خودی خود واجد اهمیت نیست. او اندیشمندی مهم به شمار نمی رود و هواداران قابل توجهی ندارد که از نظر عقیدتی از جریان های عمده اسلام گرایی سلفی، به ویژه اخوان المسلمین چندان متمایز باشند. او به عنوان یک عارضه حائز اهمیت است، عارضه ای نه چندان مربوط به جهان اسلام، بلکه بیشتر مربوط به آرزوهای غربی، اهمالگری های غربی و توهمات غربی.

* رالف قدبان: طارق رمضان و اسلامی شدن اروپا. انتشارات هانس شیلر، برلین، ۱۷۲ صفحه.

* برگرفته از دی ولت - می ۲۰۰۶

با همه این احوال، در خلال سال ها، بسیاری حامیان و یاری رسانان، از رمضان رویگردان شده اند و ندای منتقدان او هر روز بلندتر شده است. تنها در سال ۲۰۰۴ در فرانسه سه کتاب درباره او نوشته شد که در آن تلاش شده بود، از هویت این میانجی با قصد ایجاد پیوند میان ادیان به عنوان یک اسلام گرایی پنهان در محفل عقیدتی اخوان المسلمین پرده برداشته شود، یعنی به گفته پاول لاتناو در سال ۲۰۰۵، یک "آتش نشان که آتش می افروزد". برنارد کوشنر، بنیانگذار پزشکان بدون مرز، او را یک "حقه باز روشنفکر" نامیده بود و ملک بوتیه، سرپرست سابق گروه اس.او.اس. ریسیسم نیز حرف دل خود را بیرون ریخت و به رمضان گفت: "شما یک فاشیست هستید و چندان فرقی با لوپن ندارید." در همان حال که اولیویه روه، اسلام شناس فرانسوی که بسیار مورد توجه و آوازش بسیار پر خواننده است، مؤکداً رمضان را از انگ اسلام گرا بودن بری می سازد، ژیل کپل، اسلام شناس فرانسوی دیگری که آوازش حتی پر خواننده تر هم هستند، رمضان را دقیقاً با همین لقب می خواند. به این ترتیب، می توان گفت که این مرد، انسانست جتل آفرین.

پس آیا آن اصلاحاتی که رمضان از آن ها سخن می گوید، شکلی از اسلام گرایی است؟ آیا ممکن است روایت اسلام اروپایی که او ارائه می دهد، همان چیزی را به جریان اندازد که بسیاری اروپاییان از آن انتظار دارند، یعنی آشتی میان اروپای مدرن و دین اسلام از طریق یک اسلام مدرنیزه شده؟ و آیا او برعکس، خواهان یک اروپای اسلامی شده است؟ یا نماینده طرحی غیر واقع گرایانه یعنی سازش انطباق و یکپارچگی است؟ و آیا او می تواند مانع آن شود که مسلمانان در این جوامع موازی به انزوا کشیده شوند یا حتی به سمت یک اسلام گرایی جنگ طلبانه منحرف شوند؟ آیا او می تواند در این امر سهمی ایفا کند که مسلمانان با این جوامع انطباق یابند؟ و آیا اصلاً خواهان چنین چیزی هست؟

فردی که به ویژه برای پاسخ به این گونه پرسش ها شایستگی لازم را دارد، رالف قدبان، استاد اسلام شناسی در دانشکده انجیلی برلین و متولد ۱۹۴۹ است. او همچنین مؤلف طرحی مطالعاتی درباره انطباق لبنانیان در برلین است و کتاب هایی دیگر و سخنرانی ها و آثاری منتشر شده در این گونه زمینه ها دارد که در آن ها مواضع انتقادی شفاف فراسوی توهم جامعه چندفرهنگی، سیاست آلمان در زمینه انطباق و تبلیغ اسلام گرایی اتخاذ کرده است. کتاب قدبان تحت عنوان "طارق رمضان و اسلامی شدن اروپا" نخستین کتاب به زبان آلمانی درباره این شخصیت جدل برانگیز است. برخلاف آثار مربوطه به زبان فرانسه که قدبان مایل است از "تلاش رسانه پستمدانه" آن ها پرهیز کند، آنچه برای وی مطرح است، تشریح اصول "اندیشه رمضان و اسلوب" اوست؛ این بدان معناست که او قصد دارد "اسلام شناسانه" پیش برود. این امر برای وی این امکان را فراهم می کند که در تعدد پرسش های پراکنده

هنگامی که پای مسأله انطباق مسلمانان در جامعه اروپایی به میان می آید، وقتی مسأله ایجاد پل های ارتباطی و گفت و گو، به همدیگر نزدیک شدن ها و آغوش گشودن ها، مطرح می شود، چندان طول نمی کشد که به یاد طارق رمضان می افتیم. از برنامه های مربوطه در محافل روشنفکری کاتولیکی و انجیلی و مراکز اسلامی تا مجامع مشورتی دولت انگلستان یا مجلس اروپا، از مسجدی که در حومه شهری واقع شده تا دانشگاه آکسفورد، از رساله های دینی و کاست ها تا صفحاتی از روزنامه های کلیدی و برنامه های تلویزیونی با بهترین ساعات پخش، این طارق رمضان است که در همه جا حضور دارد. او - دست کم از نظر بسیاری از اروپاییان غیرمسلمان - یکی از مهم ترین سخنگویان مسلمانان اروپایی به شمار می رود، کسی که قصد دارد این عده را از اقلیت نشین ها و جوامع موازی شان بیرون کشد و اسلامشان را با دموکراسی غربی و حقوق بشر جهانی، با قانون اساسی اروپایی و مقررات این جوامع پیوند زند.

نشریه "آیندپندنت" با همان حال و هوای انگلیسی سرد خود وی را "درخشان ترین مایه امید آشتی میان مسیحیان و مسلمانان" می خواند. "لوموند دیپلماتیک" از وی چنین تقدیر می کند: "کارکرد رمضان جایگاه خود را در کتاب های سال اندیشه اسلامی خواهد داشت." از کرسی های تدریس در آمریکا و انگلستان نیز چنین به گوش می رسد: "... اندیشمندی شناخته شده در سطح جهانی به سبب تلاش هایش برای تفاهم میان ادیان و ایجاد صلح." حتی یک بار وی را "مارتین لوتر مسلمان" نیز لقب داده اند.

سهام عمده در موفقیت رمضان در میان اروپاییان غیرمسلمان جز از سوی منظومتان همیشگی و مدافعان اسلام گرایی مانند راینهولد شولتسه یا جان اسپوزیتو از سوی جناح چپ به وی اعطاء شده است. منتقدی فرانسوی چنین می نویسد: "جناح چپ طارق رمضان را خلق کرده است. آن گرش که تا چندی پیش سردبیر "لوموند دیپلماتیک" بود، یکی از مشوقان سرسخت رمضان بود، درست مانند ژان سیگلر که در سال ۱۹۹۳ به او کمک کرد از اجرای نمایش "محمد" ولتر جلویگری کند (همان طور که کلیسای کاتولیک ۲۵۰ سال پیش این کار را کرده بود). رمضان موفق شد به کمک اسلام شناسانی مانند راینهولد شولتسه، برونو آتین و دیگران رساله دکتری خود را که ابتدا رد شده و کمتر از آن که اسلام شناسانه باشد، اسلام گرایانه بود، به محافل علمی تحویل کند. رمضان دریافته بود که این امر شندنیست که در نبرد علیه مادی گرایی ملحدانه، جناح چپ را به نفع خود بسیج نماید. مردود شمردن نظریه جهانی شدن از سوی او، با گرایش های ضد غربی چپ ها همخوانی یافت. همچنین می توان گفت که رمضان از مدت ها پیش در تلاش برای آن است که چپ گرایان و سبزه (هواداران محیط زیست) را متقاعد سازد که دین به ویژه دین اسلام در قالب یک نظریه نجات بخشی اسلامی می تواند نقشی پیشرو ایفا کند.